

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت ویم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



- تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپز نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه‌شعوب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹
- جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۳/۱۸/۰۳/۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۰۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید».../ حنانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی.../ محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند

فاطمه فیاض*

چکیده

در ادوار مختلف تاریخی شبه‌قاره هند بارها بیماری‌های همه‌گیر و مهلکی شیوع پیدا کرده و هزاران نفر را به کام مرگ فرستاده است. این پدیده الهام‌بخش تعدادی از آثار مهم ادبی شده است که واکنش‌های شخصی و اجتماعی مردمان این ناحیه نسبت به بیماری‌های واگیردار، به‌ویژه طاعون، را نشان می‌دهد. تاریخ‌نویسان دربار پادشاهان گورکانی نیز در کتب تاریخی خود چون طبقات اکبری، جهانگیرنامه، شاه‌جهان‌نامه و... به وقوع این مصیبت در مناطق مختلف هند پرداخته‌اند. شاعران وابسته به دربار گورکانی چون طالب آملی، کلیم کاشانی و دیگران در آثار خود به این اشاره کرده و حتی سروده‌های مستقلی در این باب خلق کرده‌اند. همچنین در متون عرفانی این منطقه نگاه دینی و صوفیانه نسبت به سرایت طاعون و امراض واگیردار دیگر منعکس شده است. این مقاله ردّپای بیماری‌های همه‌گیر، به‌ویژه طاعون، را در متون شبه‌قاره هند بررسی می‌کند تا نشان دهد چگونه این موضوع مایه خلق شماری از آثاری ادبی، عرفانی و تاریخی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: وبا، طاعون، بیماری‌های همه‌گیر، شبه‌قاره، پادشاهان گورکانی، طالب آملی، کلیم کاشانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۴

* استادیار مطالعات تطبیقی ادبی و فرهنگی، دانشگاه علوم مدیریت لاهور (لمز)، پاکستان/

fatima.fayyaz@lums.edu.pk

مقدمه

در طول تاریخ چندین بیماری واگیر مهلک چون وبا و طاعون در سرزمین هند شیوع یافته و الهام‌بخش شاعران و نویسندگان این سرزمین برای خلق آثار گوناگون ادبی شده است. تلفات انسانی و گسترش فقر از بارزترین نتایج اجتماعی این بیماری‌ها بوده است که نویسندگان، مورخان و شاعران را واداشته که در آثارشان به صورت مستقیم یا نمادین به این مصائب پردازند.

این بیماری‌ها، چه ناشی از کشورهای دیگر و چه نتیجه وضعیت نابسامان بهداشتی و مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی شبه‌قاره بوده باشد، تأثیرات ناخواسته و نامطلوبی به دنبال داشته است. بیماری طاعون، مخصوصاً، از دیرباز در این سرزمین شیوع یافته و هزاران نفر قربانی گرفته است. فقط در دو قرن اخیر، بیماری مهلک طاعون سه بار در بلاد مختلف هند سبب کشتار مردم شده است (Swetha, Anantha & Gopalakrishnan, 2019: 1504-05). از آنجایی که شیوع بیماری‌های همه‌گیر در این منطقه اغلب با قحطی و خشکسالی همراه بوده، زندگی اجتماعی مردم در نتیجه آن فلج می‌شده و وضعیت بحرانی در جامعه به وجود می‌آورده است.

موضوع این مقاله بررسی تأثیرپذیری ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند از شیوع و گسترش بیماری‌های همه‌گیر در این منطقه است. با توجه به متون تاریخی، ادبی و عرفانی فارسی که بیشتر آن‌ها متعلق به دوره پادشاهان گورکانی هند است، پژوهش حاضر ابعاد مختلفی از بازتاب بیماری‌های همه‌گیر را در این قبیل متون مورد بحث قرار می‌دهد.

۱. منابع تاریخی

گزارش‌هایی را که در منابع تاریخی شبه‌قاره پیرامون بیماری‌های همه‌گیر آمده، به سه دسته می‌توان تقسیم کرد. نخست، متونی که در آن تصریح شده در کدام منطقه یا شهر، وبایی سرایت کرده و چه تعدادی از مردم در اثر ابتلا به آن جان باخته یا دیگرانی از ترس جان، گریخته‌اند. در این متون گاهی، در ضمن پرداختن به تلفات انسانی، به کمبود غذا و بحران اقتصادی ناشی از شیوع وبا نیز اشاره می‌شود. مثلاً، در طبقات اکبری، که مشتمل بر تاریخ

هندوستان از دوره سبکتگین (د. ۳۸۷ق) تا سی‌وهشتمین سال پادشاهی جلال‌الدین اکبر (د. ۱۰۱۴ق) است، در ذکر پیشامدهای نوزدهمین سال پادشاهی اکبر، راجع به شیوع وبا در استان گجرات چنین آمده است:

در دیار گجرات وبای عظیم و قحط مفرط افتاد و قریب شش ماه امتداد یافت و از قلع و اضطراب وضع و شریف آن دیار ترک وطن نموده، متفرق شدند. گرانی غله به مرتبه‌ای انجامید که یک من غله به صدویست تنگه سیاه رسیده بود و کاه اسپ و علف چهارپایه، پوست درخت بود (احمد، ۱۲۹۲: ۳۲۳).

دوم آن دسته متونی است که در آن به چگونگی گسترش این بیماری‌ها و علائم آن بیشتر اعتنا شده است و مورخان با توجه به رواج توهمات پیرامون وبا، به واکاوی اجتماعی آن پرداخته‌اند. لحن عبارات چنین گزارش‌های تاریخی به‌خوبی نمایانگر تجربه تلخ زندگی در دوران همه‌گیری یک بیماری است. برای نمونه در جهانگیرنامه، که زندگی‌نامه خودنوشت پادشاه نورالدین جهانگیر (د. ۱۰۳۷ق) است، درباره شیوع وبا در کشمیر چنین آمده است:

روز شنبه هفدهم، شش گروه کوچ فرموده، در مقام باره‌سینور نزول اقبال اتفاق افتاد. پیش از این مذکور می‌گشت که در کشمیر اثر وبایی ظاهر شده. در این تاریخ عرضداشت واقع نویس آنجا رسید؛ نوشته بود که در این ملک، علت وبا اشتداد تمام یافته و کس بسیار تلف می‌شود. به این طریق که روز اول درد سر و تب به هم می‌رسد و خون بسیاری از بینی می‌آید و روز دوم جان به حق تسلیم می‌کنند. از خانه‌ای که یکی فوت شد، تمام مردم آن خانه در معرض تلف می‌آیند و هرکه نزد بیمار و مرده می‌رود، به همان حال مبتلا می‌گردد. از جمله شخص مرده‌ای بود؛ او را بر بالای کاه انداخته‌اند؛ اتفاقاً گاوی آمده، از آن کاه می‌خورد و می‌میرد و بعد از آن سگی چند از گوشت این گاو خورده، تمام مرده‌اند، و کار به جایی رسیده که از توهم مرگ، پدر نزدیک پسر و پسر نزدیک پدر نمی‌رود، و از غرایب آنکه در محله‌ای که ابتدای بیماری از آنجا شده بود آتش درگرفته، قریب به هزار خانه می‌سوزد (جهانگیر، ۱۳۵۹: ۲۵۲).

جهانگیر در ادامه این گزارش می‌نویسد که در اثنای آن و روزی، زمانی که اهالی آن شهر از خواب بیدار شدند، روی درهای تمام منازل و حتی بر درهای مساجد، شکل‌های دایره‌وار نمایان گردید که از جانب مردم نشانه مرگ تلقی شد. جهانگیر چنین باوری را خلاف عقل تلقی می‌کند و می‌نویسد:

چون این مقدمه غرایب تمام داشت، نوشته شد؛ غایتاً به قانون خرد راست نمی آید و عقل من قبول این معنی نمی کند، والعلم عندالله (همان جا).

دسته سوم متونی است که در آن فقط به ذکر شیوع وبا و علائم و تلفات آن بسنده نشده بلکه افزون بر آن، نوعی نتیجه گیری هم شده و از نکات اخلاقی و فیلسوفانه ای سخن رفته است. مثلاً در شاه جهان نامه، که شامل تاریخ دوره پادشاهی شاه جهان (د. ۱۰۷۶ق) است، ذکر مفصل قحط، وبا و طاعون در شهرهای دکن، گجرات، خاندیس، برار و نواحی آن آمده است. مورخ قحطی و وبا را نتیجه محتوم بی انصافی ها و ناهنجاری های استاندار آن ولایت، ملقب به نظام الملک، می داند و این بخش کتاب را چنین آغاز می کند:

چون نظام الملک از تیره سرانجامی و بدفرجامی قطعاً رعایت به جانب بندگان پادشاهی به جا نیاورده، بر خلاف سیر مرضیه ملوک عهد ماضی سلوک می نمود و مجاری اوضاع و اطوار بر منهج مستقیم عدل و داد قرار نداده، هنجار مرضی پروردگار نمی پیمود و به این نیز کفایت نکرده، افاغنه را - که خمیر مایه فتنه و فساد بلاد و عباد بودند - در ولایت خود پناه داده، در تقویت آن فتنه باغیه - که اخلاط فاسده بل مواد مفسده کالبد روزگار و علت تامه سوء المزاج لیل و نهار بودند - به قدر امکان کوشیده، از این چند ماده خود را مستعد بلا و آماده ابتلا ساخت، لاجرم حضرت جبار منتقم انواع بلا یا بر روی او و رعایای بلاد او گشاد ... بنا بر آنکه نزول عذاب جباری غالب اوقات از نوع شمولی خالی نمی باشد، سال دیگر از شامت قرب و جوار، آفت خشکی و غلا و بلای قحط و وبا در سایر اطراف دکن مثل خاندیس و گجرات و برار سرایت نموده (کنبو، ۲۰۱۷: ۳۴۷/۱-۳۴۸).

چنین قضاوت هایی درباره علت وبا و دیگر بیماری های همه گیر در سایر متون تاریخی هم دیده می شود. در آن روزگار، بنا به باور عامه مردم، این بیماری ها نتیجه ظلم و بی انصافی های پادشاه و یا بدکاری های مردم تلقی می شده است. قحط و وبا، به خصوص طاعون، را نوعی انتقام آسمان از اهل زمین می دانستند و سرنوشتی که هیچ گریزی از آن نیست و باید آن را قبول کرد. برای مثال در یکی از کتب تاریخی به نام فتاوی جهانداری، که متعلق به دوره سلاطین تغلق دهلی (۷۲۰-۸۱۷ق) است، قحط و وبا را از آن نوع امراض و حوادث شمرده اند که تدبیر پادشاه در آن مؤثر نیست و در این بلا پادشاه و رعیت برابرند. ولی نکته مهم دیگر، توصیه هایی است که به پادشاه برای بخشیدن مالیات و

یاری‌رساندن به مردم از خزانه شاهی شده، و اهل ثروت به کمک و سرپرستی فقرا و مفلسان تشویق شده‌اند:

پادشاه ترک خراج و جزیه گیرد و اغنیای ملک را عماماً فرمان دهد تا چند نفر را از فقرا و مساکین در بر گیرند و از غنای خود ایشان را نصیب رسانند و به گرسنگی مردن ندهند و در هر خیلی و محلتی روا ندارند که خلق تلف شود. اما دست پادشاه از تدبیر حادثه و با کوته است و مدد و معونت و رای و رویت پادشاه را در بلای و با هیچ مساعی نیست (برنی، ۱۹۷۲: ۲۴۷).

از متون تاریخی برمی‌آید که یکی از عوامل پراکندگی و گسترش بیماری‌های عفونی و واگیردار وقوع جنگ‌ها بوده است. چون در آن روزگار به خاطر کمبود امکانات، قربانیان ناشی از جنگ به روی زمین رها می‌شدند و اقدام لازمی برای دفع عفونت انجام نمی‌گرفت و بسیاری از مردم که پشت میدان‌های جنگ بودند دچار وبا و بیماری‌های واگیردار می‌شدند. چنان‌که احمدشاه ابدالی (د. ۱۱۸۶ق)، فرمانروای افغانستان که در سال ۱۱۷۰ق به دهلی هجوم آورده بود، از ترس شیوع بیماری طاعون با اردوی خود برگشت (میر، ۲۰۱۶: ۲۴۸).

۲. سروده‌های پارسی‌گویان

اشعار پارسی‌گویان هند درباره بیماری‌های همه‌گیر، از جمله وبا و طاعون، را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست آثاری که موضوع اصلی آن‌ها خود این بیماری‌ها و مشکلات اجتماعی ناشی از آن‌ها است؛ و دسته دوم آثاری که در آن‌ها از وبا و همه‌گیری امراض دیگر به صورت نمادین سخن رفته است. ذیلاً نمونه‌هایی از هر یک از دو دسته را نقل می‌کنیم. نخست آثاری که به این بیماری‌ها و مصائب ناشی از آن‌ها پرداخته‌اند:

در دوران پادشاهی شاه‌جهان (د. ۱۰۷۶ق) قحطی بزرگی همراه با شیوع وبا و بیماری طاعون شهر دکن را فراگرفت و به تدریج به بلاد مجاور آن چون گجرات، خاندیس و برار نیز تسری یافت و قربانیان زیادی گرفت (نک. کنبو، ۲۰۱۷: ۳۴۷/۱-۳۵۰). نتیجه این مصائب آشفته‌گی بی‌سابقه اجتماعی و فقر و تنگدستی شدید مردم بود. ابوطالب کلیم کاشانی (د. ۱۰۶۱ق)، ملک‌الشعرا دربار شاه‌جهان، که از نزدیک شاهد این بلایا بوده، مثنوی

مستقلی پیرامون این موضوع با عنوان «در تعریف قحط دکن»^۱ سروده است. کلیم کاشانی در این اثر جامعه‌ای را به تصویر کشیده که در آن کاهش جمعیت و تشدید فقر ناشی از قحط، وبا و بیماری طاعون، وضعیت اجتماعی و طبقاتی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این مثنوی با لحنی بسیار پرسوز رنج‌هایی را که مردم در دوران قحط و همه‌گیری وبا و طاعون کشیده‌اند نمایان می‌کند و ترس و نگرانی ناشی از این اوضاع بحرانی را به تصویر می‌کشد که در اینجا برخی از ابیات این مثنوی ذکر می‌شود:

سپهر از راه خصمی چون کمر بست	ز هر سوراو فتح‌الباب در بست
نشان از ابر و باران آن‌چنان رفت	که گویی برج آبی ز آسمان رفت ...
چنان بی آب شد آن ملک دلگیر	که خون می‌شد برای آب شمشیر ...
دکن تا سربه‌سر از حکم تقدیر	ز قحطی خلقتش از جان می‌شدی سیر ...
به شکل نان چنان مشتاق بودند	که نقش پای هم را می‌ربوندند ...
حدیث گوشت، نام بی‌نشان است	دهان گر گوشتی دیده زبان است ...
دهان آسیا از دانه بی‌بهر	تنور از خوردن نان صائم‌الدهر ...
اگر از خانه‌ای برخاستی دود	به‌سان کعبه در شهری نشان بود ...
عجب نبود از این تنگی احوال	که مادر شیر بفروشد به اطفال ...
ز بس در کوچه فرش از مرده افتاد	نشان از کوچۀ تابوت می‌داد ...
برون نارفتن از منزل فتوحی است	کنون هر کوچه‌ای سوهان روحی است ...
چو خاشاک وجود بی‌بقا سوخت	وبارا شعله دیگر کمتر افروخت

(کلیم کاشانی، ۱۳۷۶: ۸۵۰-۸۵۵، ۸۵۷-۸۵۸)

اثر ادبی دیگر در بیان قحطی و وبا و تأثیرات مخرب آن، مثنوی کوتاهی از غنی کشمیری (د. ۱۰۹۲ق) است، که شاعر در آن، قحط و بی‌آبی شدیدی را که ناشی از یخ‌زدگی در

۱. در برخی نسخه‌ها این مثنوی با عنوان «مثنوی در تعریف قحط و خشکسالی، وبا و طاعون» آمده است. مثلاً نک. مجموعه خطی به شماره ۴۰۷۶ کتابخانه و موزه ملی ملک، کتابت: سده یازدهم هجری (گ ۳۸۵-پ ۳۸۹ر).

کشمیر بود و به بروز و شیوع بیماری‌های عفونی و واگیردار منجر شد، به تصویر کشیده است. غنی هم مانند کلیم کاشانی، تأثیر شدید این حوادث را در کاهش جمعیت و افزایش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی، بیان می‌کند:

در این موسم از بس که یخ بست آب	شد آینه‌خانه سرای حباب
چنان آمد آتش ز سرما به تنگ	که گردید پنهان دوباره به سنگ
چنان مردم از آب دارند باک	که بنهفته است آینه رو به خاک
ز بس سرد گشته تنور سپهر	ندیده درو گرم کس نان مهر
روان چون شود بر زمین جوی آب؟	که بسته است یخ چشمه آفتاب
به سوی فلک هر که سر داده آه	شده برف و افتاده بر خاک راه
چو طفلان قدم سوی مکتب زنند	بر اوراق یخ مشق مرکب زنند
ازین پس نرانم ز سرما سخن	که یخ‌پاره‌ای شد زبان در دهن

(غنی، ۱۳۶۲: ۱۸۸-۱۹۱)

همچنین می‌توان به طالب آملی (د. ۱۰۳۶ ق) شاعر ایرانی تبار دربار گورکانیان هند اشاره کرد که در سال ۱۰۱۷ ق از موطن خویش هجرت کرد و در سال ۱۰۲۸ ق ملک الشعرا دربار نورالدین جهانگیر شد. او درباره شیوع وبا در منطقه احمدآباد، در ولایت گجرات، این رباعی را سروده است:

دور از تو ز شهر خاطر شاد گریخت	عشرت چون برق، عیش چون باد گریخت
از بس که نهاد رو به ویرانی مُلک	آباد ز نام «احمدآباد» گریخت

(طالب، ۱۳۴۶: ۹۱۴-۹۱۵)

یکی از فارسی‌سرایان متأخر سرزمین سند، به نام میر غلام‌علی مائل تتوی (د. ۱۲۵۱ ق)، هم قطعه‌ای درباره بلای وبا سروده است. او نیز همچون تعدادی از دیگر شاعران و نویسندگان، وبا را نتیجه بدکاری‌های مردم و قضای اجتناب‌ناپذیر دانسته است. مائل تتوی در ضمن پرداختن به این موضوع، از قضای الهی که جان هزاران نفر را قربانی کرده، چنین ابراز حیرت می‌کند:

در توبه به حق چو التجار رفت	حق کرد که از جهان وبا رفت
-----------------------------	---------------------------

بوده است و با بالای عالم در عالم غیب این بلا رفت
رفتند در این بلا هزاران در حیرتم این قضا چرا رفت
در موت و با که بود راضی؟! از حکم قدر چنین قضا رفت
از ما بُده آنچه رفت بر ما این جمله ز جور نفس ما رفت

(مانل، ۱۹۵۹: ۳۳۸-۳۳۹)

دسته دوم شامل آثاری است که در آن‌ها ذکر و با و همه‌گیری امراض دیگر به صورت نمادین و برای ساختن تصاویر و آرایه‌های شعری آمده است. چند نمونه:
عرفی شیرازی (د. ۹۹۹ق)، دیگر شاعر دربار جلال‌الدین اکبر (د. ۱۰۱۴ق) است که در یکی از ترکیب‌بندهایش در مدح پادشاه، آرزو کرده که دیار دشمنان ممدوحش گرفتار طاعون شود:

قضا ز مُلک وسیعت همین قدر داند که لا مکان ز ولایات رُبُع مسکون است
برون ز حیلۀ تو یک دیار نیست، مگر دیار عمر عدویت که وقف طاعون است

(عرفی، ۱۳۳۷: ۱۷۳)

و نیز در قصیده‌ای، در مدح حکیم ابوالفتح:

در دیار وجود دشمن تو عافیت را مزاج طاعون باد

(همان: ۳۰)

طالب آملی، ملک‌الشعرای دربار جهانگیر - که پیش‌تر ذکرش رفت - در یکی از قصایدش در مدح جهانگیر پادشاه، آرزو می‌کند که نفس جان‌بخش مسیح در دیار دشمن ممدوحش اثر عکس بگذارد و عامل شیوع طاعون باشد:

دمِ عیسی به کشور خصمت مایه انتشار طاعون باد

(طالب، ۱۳۴۶: ۳۲)

از این نوع سروده‌ها مشخص می‌شود که ترس ناشی از میزان بالای مرگ و میر بیماری طاعون تا چه اندازه در اذهان مردم نفوذ کرده و در ضرب‌المثل‌ها، دعاها و سوگندهای مردم بازتاب یافته بود.

حزین لاهیجی (د. ۱۱۸۰ق)، دیگر شاعر فارسی‌زبان هند، در اظهارنظری عجیب و

متفاوت طاعون را وسیله‌ای مطلوب برای کاهش جمعیت دانسته و گفته است اگر چنین بشود دنیا به کام آدمیان خواهد شد:

گر نوح و دعای غرق این دم می‌شد
دنیا یک دم به کام آدم می‌شد
تا این همه کثرت اندکی کم می‌شد
طاعون خری کاش به عالم می‌شد

(حزین، ۱۳۷۸: ۷۸۷)

۴. منابع صوفیانه

گذشتگان مصائب و بلاها، و به‌طور کلی مظاهر شرّ، را غالباً تأثیر خشم خدایان می‌دانستند. پیروان مذاهب مختلف نیز آسیب‌های طبیعی را قضای آسمانی می‌دانستند و باور داشتند که گریز از آن ممکن نیست. دیدگاه صوفیان شبه‌قاره درباره بیماری‌های همه‌گیر، به‌ویژه طاعون، از همین سنخ اندیشه‌هاست؛ آنان در توضیح و تعلیم روش‌های مواجهه معنوی با این بیماری‌ها به پیروان و ارادتمندان خود، به روایات و اخبار مذهبی توجه ویژه‌ای دارند.

شیخ احمد سرهندی (د. ۱۰۳۴ق)، معروف به مُجَدِّدِ اَلْفِ ثانی، از مشایخ سلسله نقشبندیه در شبه‌قاره، یکی از صوفیانی است که به این موضوع پرداخته است. از او مجموعه مکتوباتی در توضیح مسائل مذهبی و نکات عرفانی به یادگار مانده است که در ادبیات عرفانی و مذهبی شبه‌قاره جایگاه مهمی دارد. او در یکی از نامه‌های خود به موضوع همه‌گیری بیماری طاعون و روش مواجهه معنوی با آن پرداخته که به‌نوعی بازتابی از نظر او در این زمینه است که می‌توان گفت خود نماینده اندیشه عرفانی آن روزگار است.

مجدّد بیماری طاعون را تقدیری محتوم و اجتناب‌ناپذیر دانسته که آدمی را گریزی از آن نیست و چون از جانب خداست می‌باید با جان و دل آن را پذیرفت. از نظر او مرگ در اثر ابتلا به بیماری طاعون مرگ افضل است و کسانی که قربانی این بیماری شوند، به مرتبه شهادت رسیده‌اند. همچنین اگر کسانی بخواهند از دیار طاعون‌زده فرار کنند مرتکب گناه کبیره شده‌اند. عنوان نامه مزبور چنین است: «در عزای مصیبت و ولایت بر صبر و رضا به قضای فضیلت مرگ طاعون و در بیان آنکه فرار از زمین طاعون‌گناه کبیره است و در رنگ فرار یوم زحف است». او در این نامه می‌نویسد:

در این ویا، از شومی اعمالِ ما، اول موشانِ هلاک شد [ند] که به ما اختلاطِ بیشتر داشتند و زنان که مدارِ نسل و بقای نوعِ انسان بر وجود ایشان است، بیشتر از مردان مردند. هرکه در این ویا از مردن گریخت و سلامت ماند خاک بر حیات او، و آنکه گریخت و مرد، طوبی له و بشری له بالشهادة! ... و همین کسی که نگریخت و بمرد، از جمله غازیان و مجاهدان است و از جرگه صابران (سرهندی، ۱۹۱۳: ۱/۴۳۰).

مجدّد در توضیح این که مرگ در اثر ابتلا به بیماری طاعون سرنوشتی ناگزیر است معتقد است که چون مرگ هرکسی وقت معینی دارد، نمی توان با فرار از جایی آن را به تأخیر انداخت؛ لذا کسانی که با ابتلای به طاعون جانشان را از دست داده اند، علت آن بوده که زمان مرگشان فرا رسیده بود؛ و کسانی هم که گریختند و جان به سلامت بردند، به خاطر آن بوده که هنوز هنگام مرگشان نبوده است^۱:

هلاکشان هرکسی را اجلی است مسّی که گنجایش تقدیم و تاخیر ندارد، و اکثر گریزپایان که سلامت ماندند، به علت آنکه اجلشان نرسیده بود، نه آنکه گریختن ایشان را از مرگ خلاص ساخت، و اکثر صابران که هلاک شدند، هم به اجل هلاک شدند؛ فلیس الفراز یُنجی ولا الاستقرار یُهَلک. این فرار در رنگ فرارِ یوم زحف است و گناه کبیره است. از مکر خداوندی است که گریزندگان سلامت ماندند و صبرکنندگان هلاک شدند (همان: ۴۳۱-۱/۴۳۰).

نمونه دیگری از همین قبیل، روایتی است که در تذکرة سکینه الاولیا آمده است. این کتاب نوشته محمد داراشکوه (د. ۱۰۶۹ق) برادر درویش منش اورنگ زیب پادشاه (د. ۱۱۱۸ق) است. داراشکوه هم مانند مجدّد، بیماری همه گیر طاعون را قضای ناگزیر پنداشته و مساعی برای دفع آن را تلاشی بیهوده برای مقابله با خواست خداوند دانسته است:

در آن ایام که در لاهور طاعون شایع بود و تا چند سال بماند، شیخ پیر میرتهی به خدمت حضرت میانجیو آمده، گفتند که به اتفاق توجهی در دفع بلا نماییم. حضرت ایشان فرمودند: در قضاهاى مبرم دعا فایده ندهد. شیخ پیر رفته، خواستند که تنها در این باب توجه نمایند. شیخ را بیهوشی دست داد و تا سه روز بیخود بودند، چنان که در این سه روز نمازهای شیخ قضا شد. بعد از آنکه به هوش آمدند، به خدمت حضرت میانجیو رسیده،

۱. جالب آنکه دو تن از پسران مجدّد الف ثانی در اثر ابتلا به بیماری طاعون جان سپردند.

احوال را بیان نمودند. میانجیو فرمودند: ما شما را منع کرده بودیم، دلیری کردید و فایده نبخشید (داراشکوه، بی تا: ۱۱۷).

در ملفوظات عارفان شبه‌قاره نمونه‌هایی از اوراد (به زبان فارسی یا عربی) برای دفع و با هم آمده است. این ادعیه و اوراد بنا به درخواست مردم و مریدان از مشایخ صادر شده است. مثلاً در ملفوظات خواجه غلام فرید (د. ۱۳۱۹ق)، از مشایخ بنام چشتیه در شبه‌قاره، آمده است که خواجه برای دفع و با وردی گفتند و فرمودند که از نزدیکان بیمار کسی آن ورد را بخواند و سه بار بر خود و بر بیمار بدمد و هفت بار کف بزند. همچنین اگر شیوع و با در شهری باشد، همان ورد بخوانند و در شش جانب بدمند و کف بزنند (غلام فرید، ۱۹۸۴: ۵۲۳). در طریقت چشتیه در کنار اوراد عربی، اوراد فارسی هم رایج بوده و وردی که از خواجه غلام فرید نقل شده به زبان فارسی است:

ای و با! آنچه در کوه قاف به حضرت حاجی شریف زندنی^۱ وعده کرده بودی، به جای آر (همان جا).

در همان ملفوظات خواجه فرید، ذکری از مجلس دیگری هم رفته است که در آن یکی از رؤسای ولایت بهاولپور حضور یافته و درخواست وردی برای دفع بلای طاعون می‌کند. خواجه فرید دعایی به فارسی می‌نویسد، ولی چون سائل با این زبان ناآشنا بوده است، خواجه فرید از شخصی به نام غلام احمد می‌خواهد تا دعا را به زبان عربی بنویسد و او نیز چنین می‌کند:

لی خمسة اطفی بها حرّ الوباء الحاطمة، المصطفی والمرتضی وابناهما والفاطمة (همان: ۵۵۵).

و در دعای دیگری (هم در ملفوظات خواجه فرید و از قول او) چنین آمده است:
اللهم یا ولیّ الولاة یا سامع الدعاء ویا کاشف الضرّ والبلاء اصرف عنا شرّ الطاعون
والمفاجات والوباء بحقّ المصطفی وعلیّ المرتضی وفاطمة الزهرا وصلی الله تعالی علی
خیر خلقه ونور عرشه محمد وعلی آله واصحابه اجمعین (همان جا).

۱. حاجی شریف زندنی (د. ۱۶۱۲ق)، از اکابر طریقت چشتیه و از اسلاف روحانی معین‌الدین چشتی اجمیری (د. ۱۶۳۳ق)، بنیان‌گذار طریقت چشتیه در هند بود.

۵. نتیجه گیری

بیماری‌های همه‌گیر چون وبا و طاعون از دیرباز در نقاط مختلف شبه‌قاره هند شیوع می‌یافته و مضمونی جذاب برای شاعران و نویسندگان این سرزمین بوده است. بیماری همه‌گیر طاعون بیشتر اوقات همراه با قحط و وبا دامن‌گیر مردم می‌شد و تلفات و خسارت فراوانی از خود به جای می‌گذاشت. مورخان ادوار مختلف به شیوع بیماری‌های همه‌گیر و مشکلات اجتماعی ناشی از آن اشاره کرده‌اند. گاهی مورخان هم از وبا و هم از طاعون نام برده‌اند و از چنین گزارش‌های تاریخی به وضوح نمی‌توان پی برد که بیماری همه‌گیر واقع شده و با بوده است یا طاعون. این نکته را هم باید در نظر داشت که در شبه‌قاره هند کلمه وبا فی الجمله به بیماری طاعون نیز اطلاق می‌شد. برخی شاعران فارسی سرای شبه‌قاره نیز در سروده‌هایشان به این موضوع پرداخته‌اند و با درک آلام و آشفتگی‌های ناشی از همه‌گیری بیماری‌ها، به‌ویژه طاعون، کوشیده‌اند پیوندهای آن با احساسات و بیم‌و امیدهای مردم را کشف و اظهار کنند. آنان گاهی به صورت نمادین به این موضوع پرداخته‌اند که نشانگر تأثیر عمیق این بیماری‌ها بر جامعه هند بوده است. عارفان شبه‌قاره هم در سخنان و نوشته‌هایشان به همه‌گیری بیماری‌های وبا و طاعون اشاره کرده و این بلا را تقدیر اجتناب‌ناپذیر الهی دانسته‌اند. در ملفوظات عارفان طریقت چشتیه اوراد فارسی هم برای دفع بلای وبا به چشم می‌خورد.

منابع

- احمد، خواجه نظام‌الدین (۱۲۹۲ق). طبقات اکبری. اوده: مطبع نول کشور.
- برنی، ضیاء‌الدین (۱۹۷۲م). فتاوی جهان‌داری. به تصحیح مسز ای سلیم خان. لاهور: اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب.
- جهانگیر، نورالدین محمد (۱۳۵۹ش). جهانگیرنامه: توزک جهانگیری. به کوشش محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۸ش). دیوان محمدعلی حزین لاهیجی. به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار. چاپ اول، تهران: سایه.
- داراشکوه، محمد (بی‌تا). سکینه الاولیا. به کوشش تاراچند و محمدرضا جلالی نائینی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

- سرهندی، شیخ احمد (۱۹۱۳م). مکتوبات امام ربانی. به اهتمام بابو منوهر لال. لکهنو: مطبع منشی نول کشور.
- طالب آملی، محمد (۱۳۴۶ش). کلیات اشعار ملک الشعراء طالب آملی. به اهتمام طاهری شهاب. تهران: کتابخانه سنایی.
- عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد (۱۳۳۷ش). کلیات اشعار مولانا عرفی شیرازی. به کوشش غلامحسین جواهری. تهران: کتابخانه سنایی.
- غلام فرید، خواجه (۱۹۸۴م). اشارات فریدی: مقایس المجالس. به اهتمام مولانا رکن‌الدین. لاهور: الفیصل.
- غنی کشمیری، ملاً طاهر (۱۳۶۲ش). دیوان غنی کشمیری. به کوشش احمد کرمی. چاپ اول، تهران: سلسله نشریات «ما».
- کلیم کاشانی، ابوطالب. مثنوی در تعریف قحط و خشکسالی و وبا و طاعون. مجموعه خطی به شماره ۴۰۷۶ کتابخانه و موزه ملی ملک، کتابت: سده یازدهم هجری.
- _____ (۱۳۷۶). کلیات طالب کلیم کاشانی. بر اساس نسخه ملکی کلیم، ج ۲. به تصحیح، مقدمه و تعلیقات مهدی صدری. تهران: نشر همراه.
- کنبو، محمد صالح (۲۰۱۷م). عمل صالح موسوم به شاه‌جهان‌نامه. به اهتمام غلام یزدانی و وحید قریشی. چاپ سوم، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- مائل تتوی، میر غلام علی (۱۹۵۹م). کلیات مائل. به تصحیح محمود احمد عباسی و محمد حبیب‌الله. کراچی: سندھی ادبی بورڈ.
- میر تقی میر (۲۰۱۶م). ذکر میر. به اهتمام و ترجمه نثار احمد فاروقی. لاهور: مجلس ترقی ادب.

- Swetha, G., Anantha E. V. M. & Gopalakrishnan, S., (2019). "Epidemics & Pandemics in India thorough out History: A Review Article," in *Indian Journal of Public Health Research & Development* 10(8): pp. 1503-1509.

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

